

هنر طبیعت

طبیعت

پنجشنبه ۱۳ آبان ۱۳۹۵
۳۱ مهر ۱۳۳۸
۳ نوامبر ۲۰۱۶
سال بیست و نهم / شماره ۸۲۵۵
پست الکترونیک
ZENDEGI@QUDSONLINE.IR

نسیم صبا

طبیعت/ الهه آرانیان دنبال دقایقی بدون دغدغه می گردید؟ دنبال می آرامش ذهن هستید؟ بهتر است سرراغی از طبیعت پاییزی این روزها بگیرید و برگ‌هایش را یکی یکی احساس کنید. این آخر هفته حتماً خودتان را مهمان طبیعت کنید.

به رنگ زندگی

روزهای ماندگار

طبیعت/ قاضیه محمدزاده! مگدالینا با خودش فکر می‌کرد: «یعنی ایران چه جور جاییه؟ یعنی از این طبیعتی که توی کشور ما هست، اونجا هم پیدا می‌شه؟» بعد هم جمدانش را بست. چند الیوم از تصاویر کشورش گذاشت توی چمدان تا هر وقت دلش گرفت، به آن هانگه کند.

اردیبهشت‌ماه بود و عطر گل‌ها از پنجره اتاق خوابگاه وارد می‌شد. مگدالینا به گل‌های باغچه خوابگاه خیره شده بود که یکدفعه با صدای هم‌اتاقی‌اش، زهرا، برگشت: «چند وقت ایران می‌مونی؟» مگدالینا سمرش را برگرداند و گفت: «دو ماه» زهرا لیخنندی زد و پرسید: «فقط برای مطالعه اومدی؟» مگدالینا نشست روبه‌روی زهرا و گفت: «اره. البته دوست دارم جاهای دیدنی رو هم ببینم»

زهرا یک استکان جای گذاشت جلو مگدالینا و گفت: «ایران توی همه فصل‌ها زیباست؛ ولی خب بهار یک چیز دیگه است.»



مگدالینا به دره‌های سرسبز و درخت‌های بلند نگاهی انداخت و گفت: «هر! اینجا چقدر قشنگه» و زهرا در حالی که سفره را پهن می‌کرد، گفت: «بله. ایرانه دیگه.» مگدالینا لیخنندی زد و گفت: «گه یکی از این طبیعت توی یک کشور دیگه بود، کلی توریست جمع می‌شد.» زهرا ظرف‌ها را چید توی سفره و گفت: «اره. خیلی حیفه.»

مگدالینا نگاهی به درخت توت انداخت. عطر توت توی مشامش می‌پیچید. استاد یک ظرف توت را گذاشت جلو او و گفت: «بفرمایید!» مگدالینا دست برد و با دانه برداشت. استاد لیخنندی زد و گفت: «نه. توت رو دانه‌ای نمی‌خورن؛ همه‌اش مال شماشست.» مگدالینا نگاهی به ظرف توت انداخت و با خودش گفت: «کاش می‌شد این توت‌ها رو با خودم ببرم.» توی همین فکرها بود که زهرا یک بسته بزرگ توت خشک را داد به مگدالینا و گفت: «این رو با خودت ببر. به این می‌گن توت خشک. مزانش از خود توت هم خوشمزه‌تره.» مگدالینا با تعجب به بسته بزرگ توت خشک نگاه کرد و انگار که آرزویش برآورده شده باشد، گفت: «وای! ممنون.»

مگدالینا نشسته بود پشت میز کارش و زیر نور چراغ مطالعه بسا خودش فکر می‌کرد: «کاش می‌تونستم کاری برای این طبیعت زیبا انجام بدم. کاش توانیش رو داشتیم که همه مردم کشور رو به اینجا دعوت کنم.»

مگدالینا دوربین فیلمبرداری را گرفته بود سمت چشمه و هرچه می‌دید، توضیح می‌داد؛ با همان لهجه فارسی خودش: «اینجا خیلی زیباست. ایران هم‌هاش زیبایی است.»

اینجا درخت‌ها با آدم حرف می‌زنند و آفتاب خیلی روشن است. اینجا طبیعت آدم را صدا می‌زنه. شما هم بیاید و این زیبایی‌ها را ببینید.» و زهرا مهیوت حرف‌های زیبای مگدالینا شده بود.

همراهان صمیمی

«خط زندگی» راهی برای امتداد یافتن ارتباط صمیمانه ما و شماشست. هموار کردن این راه جز با مداوم همراهی‌تان امکان نیست.

شما می‌توانید دیدگاه‌ها و آثار ارزشمندتان را برپیمان ارسال کنید تا در خط زندگی منتشر شود.

عناوین هفتگی صفحات خط زندگی

شنبه‌ها: خانواده، یکشنبه‌ها: دانش و فناوری، دوشنبه‌ها: بانوان، سه شنبه‌ها: دانش و فناوری، چهارشنبه‌ها: آشپزی و پنجشنبه‌ها: طبیعت

راه‌های ارتباطی ما و شما در خط زندگی: شماره پیامک: ۳۰۰۷۳۲۷۲۴

نشانی پست الکترونیک:

zendegi@qudsonline.ir

هوا تعطیل است



طبیعت/ خیلی وقت‌است که گاهی هوا را تعطیل می‌کنند؛ برای آن‌ها که هوای دودزده شهرانمی‌توانند نفس بکشند. هوا که تعطیل می‌شود، آدم‌ها پشت پنجره تنهایی‌شان می‌نشینند و روزهای خیلی گذشته را به یاد می‌آورند.

روزهایی که دیوارهای سیمانی این‌قدر بلند نبود. روزهایی که می‌شد آمدن و رفتن خورشید را دید و زیر نور شفاف آن، چشم‌ها را بست. روزهایی که می‌شد از درخت‌های باغچه سیب‌های سرخ را چید و در سبندهای آشنایی دیده‌ها اما حالا

یادداشت

ظرفیت بالای ایران برای تولید محصولات ارگانیک

طبیعت/ مسعود تجریشی / مدیر دفتر برنامه‌ریزی و تلفیق ستاد احیای دریاچه ارومیه | بخش کشاورزی ایران به ازای کمتر از یک متر مکعب محصول، حدود ۸۰ میلیون متر مکعب آب مصرف می‌کند که با شاخص‌های بهره‌وری جهانی بسیار فاصله دارد.

در بخش کشاورزی دو استان آذربایجان غربی و شرقی و در ازای هر یک مترمکعب آب، شاهد تولید حدود ۶۰۰ گرم سباده خوراکی در این دو استان هستیم و این در حالی است که در پاکستان شاهد تولید محصولی دو برابر مقدار یاد شده در ازای همین میزان آب هستیم. پاکستان معیار بسیار خوبی برای ارزیابی شاخص‌های کشاورزی ایران است زیرا ما از یک کشور پیشرفته با اراضی بزرگ، ماشین‌آلات پیشرفته و برخوردار از آموزش‌های نوین کشاورزان صحبت نمی‌کنیم، بلکه از کشوری با شرایط مشابه ایران صحبت می‌کنیم.

ایران برخوردار از فضای زیادی برای بهبود عملکرد حوزه کشاورزی است. فناوری یکی از بخش‌های مهم و تأثیرگذار در حوزه است زیرا به طور نمونه کمکی می‌کند تا با همین حجم کم آبی که در اختیار داریم، محصولات بیشتری تولید کنیم. بذریه‌هایی که در ایران به کار برده می‌شود، بذریه‌ها مطالعه شده نیست، نحوه کاشت، داشت و برداشت در کشور تلفات زیادی دارد به گونه‌ای که می‌توان گفت به صورت میانگین، محصولات کشاورزی از زمان برداشت تا رسیدن به دست مصرف‌کننده حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد تلفات دارد که ضرر آن برای کشاورز، مصرف‌کننده و منابع ملی است.

فناوری نقشی مهم در زنجیره تولید محصولات کشاورزی دارد و این در حالی است که ضعف فناوری در تمامی مراحل کشاورزی ما مشهود است و از این رو چنین نمایشگاه‌هایی می‌تواند با برنامه‌ریزی درست فرصتی برای رفع این نقص مهم در ایجاد کنند. در حالیکه در تمام نقاط قابل کشت دنیا از



دستگاه برای کاشت برنج استفاده می‌شود، در ایران به تازگی شاهد استفاده از فناوری‌های موجود در بازارهای جهانی آن هم به صورت محدود در حوزه کشت برنج هستیم. استفاده از بذریه‌ها با ظرفیت بیشتر محصول دهی، ماشین‌آلات و فناوری‌های نوین برای افزایش بهره‌وری و بهره‌گیری از روش گلخانه‌ای، راهکارهایی برای بهبود کشاورزی است که در ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

کشاورزی ایران پتانسیل این را دارد که بسیار پربرده و پیشرفته باشد اما متأسفانه در دهه‌های گذشته سرمایه‌گذاری مناسبی روی این بخش صورت نگرفته و حتی در دانشکده‌های کشاورزی، تحقیق و پژوهش مغفول مانده تا در نهایت مجموع عوامل منجر به عقب افتادگی در بخش کشاورزی کشور شود. دولت از نقشی مهم در بهبود کمی و کیفی وضعیت تولید محصولات کشاورزی برخوردار است. در برخی مناطق کشور، محصولات کشاورزی در چند مرحله مورد سسم پاشی قرار می‌گیرند در حالی که در برخی نقاط دیگر هیچ سسمی برای تولید محصول به کار برده نمی‌شود. بسیاری از محصولات کشاورزی بومی ایران را می‌توان به صورت کاملاً ارگانیک به دست مصرف‌کننده رساند.

یک عکس، یک خاطره

ماهی خورک ابلق

طبیعت/ محمد پاپوری زارعی |

نام علمی: Ceryle

Rudis نام انگلیسی:

Pied نام انگلیسی: Kingfisher

مشخصات ظاهری: این

پرند، ۲۵ سانتیمتر

طول دارد و تنها ماهی

خورک نسبتاً بزرگ و

سیاه و سفید در منطقه و

غیر قابل اشتباه با سایر

ماهی خورک‌هاست.

معمولاً در حال درجا بال

زنی بالای سطح آب دیده می‌شود، که در همان

حال، به طور ناگهانی برای گرفتن ماهی به داخل

آب شیرجه می‌رود. در پرند نه، دو نوار کم و بیش

نیمه کامل سیاه رنگ در سینه و در پرند ماده یک

نوار سیاه قطع شده در سینه دیده می‌شود. خط

ابرویی سفید، چشم‌ها سیاه، تارک سیاه با کاکل

کوچکی در پس سر و دم سفید است که در انتها

لکه‌های سیاهی دیده می‌شود. روی پرها مرکزی

دم سیاه است. در پرند جوان، نوار جلو سینه

قهوه‌ای است.

صدا: صدای این پرند شبیه «پررپ، پررپ» به

رویتیک» شنیده می‌شود.

زیستگاه: این پرند در مناطق باز، در اطراف

رودخانه‌ها، تالاب‌ها، خورها و آب‌های شور و شیرین

به سسر برده و در سوراخ دیواره ساحلی رودخانه و

تپه‌های مس‌های کنار تالاب‌ها آشیانه می‌سازد. در

ایران، بومی و فراوان است.

منبع: راهنمای پرندگان صحرای جمشید منصور

عکاس: محی‌تدار یکم محمد پاپوری زارعی

محل عکاسی: نوار ساحلی استان بوشهر



پای صحبت یک محیط بان

روزگارم در چرخه انقراض و بقا می‌گذره

طبیعت/ حسین احمدی | اهنگار هکتار و کوه‌پایان | راه پشت‌سرمی‌گذاریم، از زان‌گاه‌مال و خرس‌پلنگ و قرقاول که دیدن می‌کنیم، یادتان در ما، جان می‌گیرد. چقدر محیط زیست و حیات وحش با نام تان گره خورده است... چقدر شغل شریف شما، شبیه عاشقانه مردانی است که می‌خواهند دنیا را از قحطی نجات بدهند... از انقراض حیوانات و درختان...

شاید برای پاسداری از زمین، به شما نگفته‌اند محیط بان؛ شاید نام حرفه تان این است چون شما بهتر از هر کسی معنای زیست‌بوم را فهمیده‌اید و هوای جانداران عالم را دارید.



روح با حیات وحش گره خورده است

ارتفاعات سر به فلک کشیده داموند و علم کوه و تخت قدم‌های چابکش غار تنگ‌ران حیات وحش را به وحشت می‌اندازد.

هر روز با گشت‌های شبانه، دلسوز بقاقت و حواسش به سلامت طبیعت هست. او مهر مخلوقات را در سینه می‌پروراند.

«سلم» اهنگری که ۲۵ سال محیط بان است و برایش آشنا و غریبه ندارد و دلش برای درنای سسیری و پلنگ و مرال و گوزن زرد ایرانی می‌تپد.

متولد روستای سعید آباد کباب است و همسایه پناهگاه حیات وحش چهاردانگه و دودانگه. جالاک و ورزیده است و به گفته خودش، از کودکی عاشق

در انجام مأموریت مورد حمله شکارچیان متخلف قرار نگیرند و طبیعت و حیات وحش با آن‌ها مهربان باشد. بعتوان محیط بان نمونه کشوری انتخاب و مفتخر به دریافت درجه ارشد محیط بان شد.

قانونی که ۵۰ سال است تغییر نکرده

در ابتدای گفت‌وگویمان ناراحتی‌اش را از مرگ توله پلنگ دوماهه در روزهای گذشته در منطقه پارک ملی کبابس به دلیل برخورد با اتومبیل ابراز می‌کند و از دامداران می‌خواهد با طعمه‌های آلوده، مرگ پلنگ-بزرگ‌ترین‌گره‌سان کشور- را رقم نزنند. چپرا که بیمه‌ای برای دام‌های حاشیه مناطق حفاظت‌شده در نظر گرفته شده و خسارت‌گله‌هایی که در اثر حمله پلنگ از بین روند، پرداخت خواهد شد.

محیط بان اهنگری از تکثیر در اسارت گوزن زرد ایرانی در «پناهگاه حیات وحش دشت ناز» ابراز رضایت می‌کند و از مردم می‌خواهد از مرال‌ها مواظبت کنند چراکه این گونه ارزشمند، تنها در جنگل‌های شمال کشور زندگی می‌کند.

وی از شیفت کاری‌اش برپیمان می‌گوید و از قانون محیط‌بانی که از سال ۴۲ تاکنون - علیرغم مکاتبات فراوان- هنوز تغییر نکرده است. از اینکه محیط بانان ۱۸ شبانه‌روز کار می‌کنند و تنها ۱۲ روز در خانه هستند. اینکه همسر و فرزندان‌شان کمتر آن‌ها را می‌بینند و روزها را با دل‌پره سپری می‌کنند. از اینکه

۵ ساعت پیاده روی با پای شگسته

این محیط بان که چندباری در هنگام انجام وظیفه آسیب دیده است، در این خصوص می‌گوید: در پارک ملی کبابس با شکارچیان قرقاول درگیر شدیم و آن‌ها به روستا فرار کردند و با آمدن خانواده‌هایشان به کارزار، نزاع شدیدی رخ داد و از ناحیه بینی دچار شکستگی شدم.

در یکی از مأموریت‌ها هم که دنبال شکارچیان غیرمجاز بودیم، از سخره پرتاب شدم و پایم آسیب دید و مجبور شدم ۵ ساعت با پای شکسته پیاده‌روی کنم تا به اتومبیل برسم.

یکبار هم در تالاب بین‌المللی میانکاله به همراه ۴ نفر از همکارانم در نیمه‌های شب با ۳۰ ماهیگیر غیرمجاز مواجه و مجبور شدیم حین تعقیب و کمک کار ماست.

تجدید پذیر و محصولات پایدار باید در کشورهای پردرآمد ترویج شود؛ ضایعات غذا در همه بخش‌های زنجیره غذایی باید به کمترین میزان رسیده و بهره‌وری کشاورزی تاحد ممکن افزایش پیدا کند.

افزون بر این، انتشار گاز دی‌اکسید کربن CO۲، در سطح جهانی به نوعی به ثبات رسیده است در حالی که میزان تولید این گاز می‌توانست در شرایطی که احتمال افزایش سوخت زغال سنگ در چین وجود داشت، افزایش پیدا کند.

با همه این‌ها ما باید برای تبدیل سیاره مان به یک سیاره بازگشت پذیر به دنبال ایجاد تغییراتی در سیستم غذا و انرژی خود باشیم. WWF می‌گوید با افزایش تقاضا برای منابع تجدید پذیر، منابع انرژی پایدار و تجدید پذیر باید به سرعت توسعه پیدا کنند؛ مصرف کمتر پروتئین حیوانی، استفاده از انرژی‌های



مورد تغییرات آب و هوایی و توسعه پایدار اشاره کرد. این گزارش می‌گوید: از نظر جهانی، ۳۱ درصد از منابع ماهی جهان با ماهیگیری بیش از حد روبرو هستند. در نتیجه این ماهیگیری زیاده از حد، انوعی از گونه‌های ماهی‌ها مثل کوسه ماهی، پرتو ماهی و سفره ماهی در خطر انقراض قرار دارند. در عین حال، تغییرات آب و هوایی در حال ایجاد تغییر در رفتارهای جانوری است، زیرا ماهای فصلی سبب می‌شود رفتارهایی مثل مهاجرت و تولید مثل در زمان‌های نادرستی انجام شوند.

در واقع تأثیرات انسان‌ها بر محیط زیست به اندازه‌ای زیاد بوده است که رویداد انقراضی که در گذشته در طول صدها یا هزاران میلیون سال صورت می‌گرفت اکنون در بازه زمانی بسیار کوتاه‌تری در حال دادن است. سطح مصرف انرژی انسان‌ها به این مناسبت که در حال حاضر ما برای تأمین کالاهای خدماتی که سالانه مصرف می‌کنیم به ۱/۶ سیاره زمین نیاز داریم.

کارشناسان می‌گویند این نخستین باری است که یک دوره زمین‌شناسی جدید (انتروپوسین) فقط با کاری که یک گونه جانوری (هوموساپینس یا انسان هوشمند) به طور آگاهانه با سیاره زمین می‌کند تعریف می‌شود.

در گزارش WWF آمده است این حقایق به سادگی نشان می‌دهند که ما باید در شیوه تولید، مصرف، برآورد موفقیت و ارزش‌گذاری بر محیط طبیعی تغییراتی ایجاد کنیم. با این جهت، زمینه‌هایی برای خوش‌بینی وجود خواهد داشت. به عنوان نمونه می‌توان به توافق جهانی در



بهداشت حرفه‌ای

پرتو مادون قرمز و ماورای بنفش (۱)

مهندس مهران قلعه نوی

مشخصات و خصوصیات همراه با مشاغل در معرض پرتو فرو سرخ پرتو فرو سرخ بخشی از طیف یا بنیاب الکترومغناطیس است که در گستره طیف امواج بین پرتوهای رادیو فرکانس و نور مرئی قرار می‌گیرد و طول موج آن بین ۷۵۰ نانومتر تا ۳ میلیمتر است. پرتوهای فرو سرخ از هر نوع شینی که دمایی آن بیش از صفر مطلق باشد، منتشر می‌شوند. مواجهه‌های شغلی علاوه بر فرآیندهایی که در آن‌ها انرژی حرارتی حاصل از پرتو فرو سرخ تولید و یا بکار می‌رود، نظیر فرآیندهای حرارتی، جوشکاری، شیشه سازی، پخت و پز و... که در محیط کار و ناشی از کاربرد وسایل پرتوزا است، در محیط‌های باز و مواجهه کارگران با نور خورشید را نیز در بر می‌گیرد.

جذب پرتو فرسرخ آب یکی از مواد جاذب پرتو فرسرخ است. محلول نمک طعام در حدود ۲۰ برابر آب خالص پرتو را جذب می‌کند. شیشه معمولی برای پرتو فرسرخ بلند به کلی غیرقابل نفوذ است و استفاده از آن در ساختن گلخانه‌ها برای حفظ گل‌ها از سرما به سبب همین خاصیت است طول موج‌های در لایه شاخی پوست یا قرنی چشم فرسرخ محیط کار میزبان انواع خطرات است، از جمله مواجهه کوتاه مدت و بلند مدت با پرتوهای فرو سرخ که در بردارنده خطرات بهداشتی واقعی است. نمونه‌هایی از فعالیت‌هایی که پرتو مادون قرمز را تولید می‌کنند شامل جوشکاری، برش، عملیات

حقوق حرفه‌ای

مشاغل خانگی

اجامه حرفه‌ای

نحوه فعالیت در مشاغل خانگی چگونه است؟

فعالیت در حوزه مشاغل خانگی به سه صورت امکان پذیر می‌باشد: الف - انجام فعالیت به صورت کارمزدی برای کار فرمای خارج از محیط مسکونی (متقاضی تحت پوشش) ب - انجام فعالیت مستقل اعم از تأمین مواد اولیه تا عرضه محصول به خارج از محیط مسکونی (متقاضی مستقل) ج - انجام فعالیت به صورت تعاونی، تأمین و مشارکت با پنگاه‌های بالا دستی و تأمین کننده مواد اولیه و عرضه محصول آنان در بازار، ترجیحاً به صورت کسب و کار خوشه‌ای (پشتیبان)

نحوه ثبت نام و دریافت مجوز برای مشاغل خانگی به چه صورت است؟

متقاضیان مشاغل خانگی لازم است با مراجعه به سایت مشاغل خانگی، متناسب با نوع فعالیت مورد نظر خود یکی از فرم‌های (مستقل - پشتیبان) را تکمیل کنند. فرم‌های تکمیلی توسط دستگاه اجرایی ذیربط بررسی شده و در صورت تایید طرح در دستگاه اجرایی، مجوز مربوطه صادر خواهد شد.

آیا برای شروع فعالیت در مشاغل خانگی نیاز به مجوز می‌باشد؟

تمام متقاضیان مستقل و پشتیبان برای انجام فعالیت در حوزه مشاغل خانگی نیاز به دریافت مجوز دارند.

آیا متقاضیان مشاغل خانگی وام و تسهیلات دریافت می‌کنند؟

متقاضیان دارای مجوز کسب و کار خانگی که مورد تایید دستگاه اجرایی ذیربط می‌باشند، می‌توانند از این تسهیلات بهره‌مند شوند.

آیا شاغلان کسب و کار خانگی مشمول حمایت بیمه‌ای می‌شوند؟

مشمولان قانون، با ارائه مجوز کسب و کار خانگی می‌توانند نزد صندوق تأمین اجتماعی بیمه و از مزایای آن برخوردار شوند. مشمولان صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر تابع قوانین و مقررات مربوطه خواهند بود.

از شاغلان خانگی چه حمایت‌هایی بعمل خواهد آمد؟

متقاضیان مشاغل خانگی در صورت

رئیس اتحادیه صباغان و گلزان در گفت‌وگو با قدس: مارا به خاک سپاه نشاندند



جامعه حرفه‌ای کیوان سرفرازی

صباغی و گلزنی یکی از هنرهای قدیمی است که هنوز هم بواسطه ارتباط آن با فرایند تولید پارچه و پوشاک از اهمیت بسزایی برخوردار است. اما متأسفانه این روزها چرخ این حرفه نیز همچون چرخ صنعت نساجی بخوبی نمی‌چرخد. حسین سلیمی رئیس اتحادیه صباغان و گلزان دل پروردی از بازار این حرفه دارد. گفت‌وگو ما با ایشان را بخوانید

آقای سلیمی صباغ و گلزن در مفهوم شغلی شما به چه معناست؟

صباغ‌ها همان رنگ‌رزیهای پارچه هستند که وظیفه تکمیل مراحل تولید پارچه را نیز عهده دارند گل زن‌ها هم نقوش روی پارچه و یا لباس را می‌اندازند.

وجود صباغ‌ها و گلزن‌ها چقدر در صنعت نساجی اهمیت دارد؟

صنعت نساجی از کاشت، داشت و برداشت شروع می‌شود که همان رنگینه‌های پنبه و الیاف مصنوعی و حیوانی است. آنچه شکل می‌گیرد، سپس تبدیل به نخ شده و سپس پارچه بافته می‌شود. مثل آن است که چرم را از بدن گاو جدا کنند عملیات دبافی را بر روی آن انجام دهند تا بتوان از آن مصنوعات مثل کفش، کیف و کمر بند تهیه کرد. در این صنعت نیز تا پارچه خام توسط صباغ‌ها به پارچه‌های نساجی برای تهیه کت و شلوار و کاپشن و... تریکو برای تهیه تی شرت و... تبدیل نشود کار به اتمام نمی‌رسد. پس از این مرحله پارچه برای مرحله دوخت آماده می‌شود. در حقیقت ما همان حلقه وصل کننده هستیم.

اوضاع این حرفه و حرفه‌های آن نسبت به گذشته دستخوش چه تغییراتی شده است؟

در شهرهایی مثل اصفهان نخ، کلاف، کرک بصورت سنتی رنگ شده و در زمینه فرش و پارچه صرف می‌شود. در مشهد و یزد هم این کار صورت سنتی بوده و به تدریج به سمت مدرن شدن سوق پیدا کرده است. مجموعه توانمندتر و در عین حال نوگراتر شده‌اند. هر چند این مساله برای ما اجبار است.

چرا اجبار؟

چون تولید کنندگان ضربه خورده اندروزی در این کشور کارخانه‌های حریر و یا مخمل کاشان وجود داشتند که تولیدات خود را به فرانسه، انگلیس و آلمان صادر می‌کردند. چه شد که صنعت نساجی ما به این روز افتاده صنعتی می‌توانست میزان جذب کارگر، مهندس و تکنسین‌ها را داشته باشد حالا روز به روز به افول می‌رود. چون به آن بها نداده‌اند.

شما هم دلیل عمده را در واردات می‌دانید؟

ببینید ما دشمن واردات نیستیم ولی هر چیزی اندازه داراگر در وطن پرست باشیم هر کالای بی کیفیتی را به بهانه ارزان بودن وارد نمی‌کنیم. عده‌ای به تولید خیانت کردند و با وارد کردن کالای بی کیفیت سبب شدند تولید کنندگان داخلی که به ارتقای کار خود و صادرات فکر می‌کردند وادار به تولید کالای



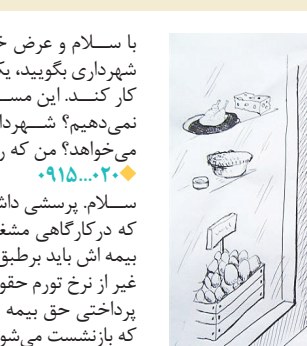
بی‌کیفیت شوند. آن‌ها کالایی را وارد کردند که برای من و خانواده من و شما مضر است. از زمانی که شروع به واردات اشغال‌های چینی کردیم، من فروشنده برای کسب سود بالاتر خیانت کردم و قیمت را پایین آوردم و کالای بی‌کیفیت عرضه کردم. حالا دولت مجبور است هزینه درمان انواع نازاحتی‌های پوستی را پرداخت کند. همه چیز در پول خلاصه نمی‌شود. هیچ کسی از ما حمایت نمی‌کند.

نماینده‌های ترکیه تی شرت ۲۷ هزار تومانی را در بازار ما به فروش می‌رسانند. حال آنکه قیمت پارچه خام من معادل همان پول است. این مخارج را چه کسی بر من تولید کننده تحمیل کرده است؟

من ۲۷ سال است مسؤول این اتحادیه هستم. تحصیلاتم در حوزه نساجی بوده، رنگرزی و گلزنی داشتم، دوخت هم داشتم. من که زاده صنعت نساجی کشور هستم این بلا سر آمد است. بعضی از سیاسی کاری‌ها سبب شده که ما امروز به خاک سپاه نشینیم و زندگی ما دچار فرمای لنگ مانده است. وزارت دارایی حتی یک نمونه گذشت نسبت به من نمی‌کند. در هر کجای دنیا شما دو کارگر اضافه کنید

جامعه حرفه‌ای

با سلام و عرض خسته نباشید. می‌خواستم به مسؤولان شهرداری بگویم، یک راننده وانت چرا باید زیر نظر شهرداری کار کند. این مسأله چه امتیازی دارد؟ مگر ما مالیات نمی‌دهیم؟ شهرداری از جان ما قشر کم درآمد جامعه چه می‌خواهد؟ من که راضی نیستم.



باز هم هفت مان گروی هشت مان است

سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۷۲۷۲۷۴

خاطره حرفه‌ای

آن شب سخت و فراموش نشدنی

جامعه حرفه‌ای / کامانگیر

سال ۸۴ بود آن سال زمستان برفی و سنگینی داشتیم، حدود ساعت ۴ به ترمینال کوه اصفهان رسیدیم، یعنی درست رأس ساعتی که زمان حرکتمان بود. شب سختی را سپری کرده بودیم، جاده برفی و کولاک و یخبندان شدیدی حاکم بود. به محض رسیدن، کارمندان شرکت پای اتوبوس آمدند، تا کمکمان کنند و اتوبوس برای سرویس برگشت آماده شود. راننده کمکی ام گفت که نمی‌تواند بیاید و به اجبار، راننده‌ای دیگر که به راه آشنایی هم نداشت همراه شد، حدود ساعت پنج و سی دقیقه از ترمینال کوه بیرون آمدیم در حالی که خسته و کلافه بودم.

به هر صورت ساعت از شش و سی دقیقه گذشته بود که از اصفهان عبور کردیم. مسیر اصفهان به شهرضا کولاک جدی بود بطوری که چشمم، جاده رو به سختی می‌دید. حدود ساعت ۱۰ شب به کافه استوار پس از سمیرم رسیدیم، مسافره‌ها و البته خودمون شام را آنجا صرف کردیم و سپس آماده حرکت شدیم. خبری از جاده نبود و ماشینیت تردد نمی‌کرد. در چنین ساعتی رانندگان اتوبوس حسرت رانندگان باربری را می‌خوردند چرا که آن‌ها در بیشتر اوقات ساعت حرکتی دست خودشان است و سعی می‌کنند در چنین شرایطی حتی المقدور راهی جاده نشوند ولی ما ضمن اینکه مجبوریم، تازه باید به تعداد هر مسافر ۱۰۰ تا جواب هم پس بدیم که چه ساعتی می‌رسیم و می‌ماند استرس حاکم بر ماشین و جاده!

به گردنه میمند که می‌رسیم دقیقاً ۱۰۰ کیلومتر به یاسوج از سربالایی بالا می‌روم و دو چسراغ که مثل مار به جاده می‌پیچید در حال پایین آمدن بود، تا اوضاع را دیدم مو

داخلی ما نیست بیکاره به قیمت هر کیلو ۳۰ تومان برسد. کجای این تصمیم خدمت است؟ گاهی ضربهای که از طرف خودی‌ها به ما وارد می‌شود از خارجی‌ها کمتر نیست.

من در دولت دهم در حضور آقای رحیمی معاون اول رئیس جمهور فریاد زدم و گفتم که رهبری می‌فرمایند از تولید حمایت کنید استقلال یک کشور از صنعت و تولید آن است چرا ما را تبدیل به توکمر می‌کنید. چرا کاری می‌کنید که اگر فردا درها را به رویمان ببندند چیزی برای پوشیدن هم نداشته باشیم.

در حرفه شما چقدر رعایت اصول ایمنی و بهداشت اهمیت دارد؟

من قبلاً ایمن موضوع را در جایی دیگر عنوان کردم که چندی پیش استفاده از روسری بی‌کیفیت توسط یک بانوی هموطن سبب شد تا با بارش باران موادشیمیایی موجود در پارچه بر روی چشمان او سرازیر شود و بینایی خود را از دست دهد که این اتفاق ناگوار، به دلیل از بین نبردن مواد قلیایی روسری توسط تولیدکننده رخ داد.

باید به آدم بی‌معرفتی که به خاطر پول، رنگ بی‌کیفیتی را که ۲۰ سال است مصرف آن در دنیا منسوخ شده گفت تو که این رنگ را به کشور من وارد می‌کنی و بسازد و بند نام آن را تغییر می‌دهی می‌دانی این رنگی است که نباید داخل فاضلاب‌های ما برود چون صدها نوع بیماری را به دنبال داردمی دانی که سبب عقیمی مردان می‌شود و مشکلاتی برای زنان ایجاد می‌کند چرا خیانت می‌کنی و رنگی را که ۴۰ تومان قیمت با نام دیگری ۱۵ تومان عرضه می‌کنی؟

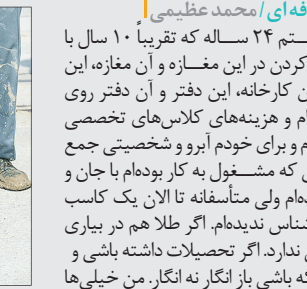
ضروریات این است که کارفرمایان محترم به همراه نمایندگان محترم بیمه و وزارت کار همواره کارگردها و خدمات شرکت‌های بیمه‌انکاری را مورد نظارت و بازرایی خود قرار بدهند تا بر اثر تخلفات عمدی وسهوی، حقوق و مزایای پرسنل خودم تحت پوشش بیمه‌انکاران احجاف و پامال نشود.

این چه وضعی است که در جامعه درست شده، اینکه بیشتر واحدهای اقتصادی با سود کمتر از پنجاه درصد نمی‌توانند چرخ زندگی شان را بچرخانند. بعضی‌ها هم که سودشون سه چهار برابر قیمت خرید است با همه این اوصاف باز هم هفت شان گروی هشت شان است یا کجاست؟ چرا باورهای دینی ما در کاسی می‌رنگ شده است؟

با سلام و درود فراوان به شما. از مسؤولین عزیز خواش می‌کنم بگویم کار ما ایثارگران آخر به کجا رسید. یکسال است که مدارک مان را ارائه کرده‌ایم اما هنوز خبری نیست. انگار ایثارگران ارتش در جنگ ۸ ساله دفاع مقدس نبودند. کوچکترین نشه ایست. همه از طبقه بدبخت کارگر جامعه هستند.

دغدغه حرفه‌ای

حتی یک کار فرمای قدر شناس هم ندیده‌ام!



جامعه حرفه‌ای / محمد عظیمی
جوانی هستم ۲۴ ساله که تقریباً ۱۰ سال با شاکردی کردن در این مغازه و آن مغازه، این کارخانه و آن کارخانه، این دفتر و آن دفتر روی پای خودم ایستادم و هزینه‌های کلاس‌های تخصصی آموزش‌ام را می‌پردازم و برای خودم آبرو و شخصیتی جمع کردم. تا الان هر جایی که مشغول به کار بوده‌ام با جان و دل پولم را حلال کرده‌ام ولی متأسفانه تا الان یک کاسب کار یا کارفرمای قدرشناس ندیده‌ام. اگر طلا هم در بیاری برای کارفرمایت فرقی ندارد. اگر تحصیلات داشته باشی و آدم با شخصیت هم که باشی باز انگار نه انگار. من خیلی‌ها را می‌شناسم که خیلی با شخصیت هستند ولی هر روز خرد می‌شوند. این درد یک درد بزرگ است. یکی از مسائلی که زیاد به آن توجه نمی‌شود این است که تمام مشکلات و تمام گرفتاری‌ها فقط برای کاسب و کارفرماست. در این میان یک روزهایی برای کارمند یا کارگر از همیشه حیاتی‌تر است و آن هم روز تسویه حساب هر ماه است که متأسفانه خیلی از کسبه و کارفرماها چندان تعهدی نسبت به رعایت این تاریخ ندارند. موضوع دیگر هم به قول دادن کارفرما بر می‌گردد؛ یکی آن‌ها با خب زودتر می‌گفتی من واست واریز می‌کردم. الان که دستم خالیه فلا یک چکی هست که اگر که وصل شود برات واریز می‌کنم. حالا از این طرف کلی هزینه روی دستم مونده که باید برداری از طرف دیگر قولی است که باید عمل شود بگذریم که معمولاً پس از کلی صبر و تحمل بخشی از تسویه حساب کامل به حساب واریز می‌شود. اینجاست که باز هم تو می‌مانی با مشکلات بسیار که تنها با

فرق دارد.

فرق دارد.